

**هادی خسروشاهین**، کارشناس مسائل بین الملل در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

# جنگ به موازنه بازدارندگی رسیده است



فاطمه بریمانی وزندی خبرنگار گروه نقد روز

اخبار این روزها پر شده از استراتژی‌های جنگی، اهدافی که آمریکا و اسرائیل برای جنگ دنبال می‌کنند و پیش‌بینی وضعیت آتش بس. دبیرکل حزب‌الله لبنان به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین رهبران محور مقاومت پس از گذشت چند هفته از جنگ میان اسرائیل و مردم مظلوم فلسطین اشغالی، سخنرانی کرد. پیش از سخنرانی برخی گمان می‌کردند که سیدحسن نصرالله بنای شروع یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای را پی‌ریزی می‌کند و برخی هم از عدم دخالت حزب‌الله حرف زدند. اما سخنرانی یک‌ساعته او معادله را پر هم زد. او از محوریت‌های مختلف حرف‌زد و سخنرانی او یکی از هوشمندانه‌ترین و سیاسی‌ترین مدل‌مواجهه باجنگ میان این‌دوطیف‌بود. هادی خسروشاهین، کارشناس مسائل بین‌الملل از مفهوم تازه‌ای در نظام بین‌الملل تحت عنوان «بازدارندگی نامتقارن» صحبت کرد. تحلیل او از سخنرانی دو روز گذشته دبیرکل حزب‌الله حول این مفهوم صورت‌بندی می‌شود.

□ □ □

■ **حزب‌الله از جریان سوم و مفهوم «بازدارندگی» حمایت می‌کند**

پیش از سخنرانی دبیرکل حزب‌الله شاهد جریانات متعددی در دوسر طیف بودیم که تحلیل‌های متفاوتی از پیش‌بینی موضع حزب‌الله داشتند. خسروشاهین از جریان سومی صحبت می‌کند که جریان میانه‌است. او همه حرف‌های سیدحسن نصرالله را در یک مفهوم محوری خلاصه می‌کند: «من صحبت‌های سید حسن نصرالله را در مفهوم «بازدارندگی» خلاصه می‌کنم. حالا دو صرف طیف در میان تحلیل‌گران منطقه‌ای وجود دارد که من با هیچ یک از آنها موافق نیستم. جریان میانه‌ای هم هست که من با آن هم عقیده هستم. در یک سر افرادی هستند که توقع داشتند سیدحسن دستش را روی ماشه بگذارد و جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای را آغاز کند. در عین حال با جریان مقابل هم هم نظر نیستم که تکیه و تاکیدشان صرفا بر جریان اصلی و رئالیست تهاجمی یا هژمون است. آنها قدرت گروه‌های شبه‌نظامی، شبکه شبه‌نظامیان و بازدارندگی حاصل از این فعالیت شبکه‌ای را دست‌کم می‌گیرند. در این طیف یک حد وسط و میانه‌ای هم وجود دارد که سیدحسن نصرالله از آن جانبداری کرد. باید توجه داشت که تاثیرگذاری حفظ اهرم تهدید جنگ گسترده منطقه‌ای به‌مراتب بیشتر از آغاز این جنگ است. دبیرکل حزب‌الله تهدید اهرم آن را به‌عنوان یک ابزار مهم برای بازدارندگی در ید اختیار خودش قرار داد و آن را حفظ کرد، با این حال ورود به عرصه شور و شوق صرف بدون عقلانیت هم نداشت. به نظر من این تکیه مهمی است. ضمن اینکه اینها تکیه دیگری هم دارند، آن هم باور و تکیه به توانمندی‌های محور مقاومت برای ایجاد بازدارندگی نامتقارن است، یعنی بر خلاف این دو جریان جریان سوم معتقد است که امکان بازدارندگی میان شبه‌نظامیان با یک قدرت هژمون وجود دارد، بنابراین این رانمی‌توان دست‌کم گرفت. نکته بعدی اینکه لزوماً از اهرم تهدید نباید صرف نظر کرد و آن را در هر عرصه و در هر زمانی، بدون در نظر گرفتن هزینه فایده آن، فرصت را خارج کرد.»

■ **در بازی اطلاعات ناقص، قدرت بازدارندگی و موازنه به وجود می‌آید**

خسروشاهین که از بازدارندگی نامتقارن به عنوان محور صحبت‌های دبیرکل حزب‌الله نام برد، برای توضیح این فضاو کاکردش در صحنه جنگ این‌طور توضیح داد: «برخلاف فضای کلاسیک و متقارن نظام بین‌الملل که بر موازنه بین نیروهای مادی به‌ویژه نیروهای نظامی تاکید می‌شود در موازنه نامتقارن روی بازی اطلاعات ناقص تاکید می‌کند. در بازی اطلاعات ناقص، بازیگر جالشگرد درمقابل یک بازیگر تدافعی قرار می‌گیرد. بازیگر جالشگر یا رقیب اگرچه از ترجیحات خودش در حوزه مسائل نظامی و امنیتی اطلاعات کامل دارد اما برخلاف مدل بازدارندگی متعارف به دلیل بازی اطلاعات ناقص از ترجیحات طرف مقابل اطلاعات کاملی ندارد. چون اطلاعات کاملی از ترجیحاتش ندارد چون بازیگر عقلانی هم هست قدرت ریسک عملیات نظامی و امنیتی مدنظر را ندارد. مادر صحبت‌های دیروز دبیرکل

حزب‌الله شاهد شکل‌گیری بازدارندگی نامتقارن بین محور مقاومت با محوریت حزب‌الله و ایالات متحده آمریکا بودیم. همین بازدارندگی نامتقارن باعث می‌شود که ایالات متحده آمریکا به‌طور مداوم در صحنه عملیاتی دربرخی از اهداف خودشان بازنگری و تجدیدنظر به عمل بیاورند و دالما از آن هدف‌گذاری‌های اولیه خودشان در صحنه تحولات فلسطین و منطقه عقب‌نشینی کنند. بازدارندگی نامتقارن به این معنا نیست که این وضعیت تنها میان یک دولت با دولت دیگر به وجود خواهد آمد، ما این وضعیت را می‌توانیم بین یک دولت با یک یا چند گروه شبه‌نظامی شاهد باشیم. در عین حال بازدارندگی نامتقارن به معنای موازنه میان نیروهای مادی طرفین هم نیست؛ یعنی به‌طور مثال ما به‌هر حال می‌دانیم که به لحاظ کیفیت و کمیت تجهیزات و تأسیسات نظامی موازنه‌ای میان حزب‌الله لبنان و آمریکا وجود ندارد. اما بر پایه بازی اطلاعات ناقص و بازدارنده نامتقارن، امکان شکل دهی به موازنه به وجود می‌آید و همین امر هم باعث عدول از هدف‌گذاری‌های اسرائیل و آمریکا از تاریخ هشتم و نهم اکتبر می‌شود.»

■ **اسناد مهمی که موضع دولت بایدن را مشخص می‌کند**

در ابتدا برای تحلیل حرف‌های سیدحسن نصرالله باید به موضع آمریکا به عنوان یکی از حامیان اسرائیل در این جنگ توجه داشت، خسروشاهین هم این موضوع را در قالب دو سند مهم دولت بایدن تحلیل می‌کند: «ایالات متحده آمریکا از زمان دولت بایدن دو سند مهم منتشر کرد که در واقع این دو سند هدف‌گذاری دولت بایدن را در امنیت بین‌المللی و امور آن مشخص می‌کند. این دو سند که در اکتبر ۲۰۲۲ منتشر شد سند دفاع ملی و امنیت ملی ایالات متحده است. در این سند با توجه به سابقه‌ای که ما از جنگ‌های بی‌پایان آمریکا و تاثیرات آن بر افکار عمومی اقتصاد و تفکرات استرالیست‌های آمریکایی دیده‌ایم، دولت بایدن تشخیص داد از تجهیزات آمریکایی برای بازدارندگی استفاده کند. به جای ورود ایالات متحده به صحنه‌های پر هزینه نبرد از به وقع پیوستن جنگ‌های بزرگ ذیل بازدارندگی جلوتری کند. یکی از مناطقی که در سند امنیت ملی و دفاع ملی آمریکا به جز منطقه اروپا با آن تاکید شد، خاورمیانه بود. یعنی هدف‌گذاری ملی آمریکا قبل از ماجرای ۷ اکتبر بر این هدف تمرکز داشت که کاری کنند که بر پایه محدودسازی تنش و استفاده از اهرم‌ها و امکاناتی که آمریکا در دست دارد، از وقوع جنگ جلوگیری کنند.»

■ **ایالات متحده هم از طوفان الاقصی غافلگیر شد**

استراتژی‌ای که دولت در سند مذکور پیش گرفت البته بی‌عیب نبوده و آن‌طور

که باید در عرصه بین‌الملل جامعیت لازم را نداشت. خسروشاهین در این باره می‌گوید: «این استراتژی یک نقطه ضعف عمده داشت و آن هم تمرکز ویژه‌ای بود که بر بازیگران دولتی داشت. این در وضعیتی است که در منطقه ما به‌ویژه بعد از حمله آمریکا به عراق و بهار عربی مجالسی برای گسترده‌تر شدن نقش بازیگران غیردولتی ایجاد شد. در واقع هر استراتژی بازدارندگی بدون توجه به قدرت، دامنه نفوذ و نقش آفرینی بازیگران غیردولتی برای ایجاد بازدارندگی عملا نمی‌تواند به هدف‌گذاری خودش دست پیدا کند». بر این پایه در هفتم اکتبر این اسرائیل نبود که از آن حادثه غافلگیر شد. به دلیل دست‌کم گرفتن قدرت بازیگران غیر دولتی که به ساخت و بافت منطقه خاورمیانه شکل جدیدی بخشیدند، ایالات متحده هم از به‌وقوع پیوستن این حادثه و بلافاصله تصاعد و افزایش تنش‌ها غافلگیر شد. بنابراین دولت بایدن تلاش بی‌وقفه‌ای را انجام داد که مختصات و دامنه بحران و تنش‌ها را به یک محدوده جغرافیایی خاصی محدود کند؛ اگر چه دچار غافلگیری شده بود. حداقل می‌خواست در مرحله دوم مانع از به‌وقوع پیوستن یک جنگ بزرگ منطقه‌ای شود، چون آن جنگ اختلال مهم و اساسی‌ای در استراتژی‌های کلان آمریکا به‌وجود می‌آورد.»

■ **نقطه کانونی، تهدید به جنگ تمام‌عیار است**

در مواجهه با این نوع سیاست، آمریکا و وضعیت فعلی‌ای که در آن قرار دارد، خسروشاهین صحبت‌های دبیرکل حزب‌الله را این‌طور تحلیل می‌کند: «ما در سخنرانی نصرالله شاهد هستیم که مانور خیلی زیادی بر یک جنگ تمام‌عیار و کامل می‌دهد یعنی به جای اینکه دست روی ماشه بگذارد و آن جنگ بزرگ منطقه‌ای را عملیاتی کند از آن به عنوان یک کارت تهدید در مقابل نیروهای آمریکایی برای بازدارندگی استفاده می‌کند. عبارتی نقطه‌کانونی بحث سیدحسن نصرالله روی مفهوم یک جنگ بزرگ نه برای انجام آن، بلکه به مثابه یک اهرم برای ایجاد بازدارندگی برای حزب‌الله لبنان و بعد محور مقاومت و کنترل اهداف مدنظر اسرائیل و آمریکا و همچنین در صحنه تحولات فلسطین و منطقه خاورمیانه بود.»

■ **حالا جنگ به تعادل در بازدارندگی رسیده است**

وضعیت این روزهای جنگ میان اسرائیلی‌ها و مردم غزه با کنشگری و حضور پرزنگ محور مقاومت به‌نوعی به تعادل در بازدارندگی رسیده است. این کارشناس روابط بین‌الملل هم بر همین نکته تاکید دارد: «به‌طور مشخص ما می‌توانیم بگوییم که تا اینجای کار که اسرائیلی‌ها ورود زمینی به صحنه تحولات غزه داشتند، به نظر می‌رسد به‌طور نسبی بازدارندگی چه از جانب ایالات متحده آمریکا و چه از جانب



محور مقاومت، کار کرده است. به دلیل اینکه از طرف آمریکا، حضور و تجهیزات آن در منطقه به‌نوعی موازنه‌دهنده در برابر تهدیدات محور مقاومت بود. در عین حال محور مقاومت هم به ابزارها و امکاناتی دسترسی داشت که باعث تاثیرگذاری روی هدف‌گذاری ایالات متحده و اسرائیل در صحنه تحولات فلسطین شد.»

■ **اسرائیل از اهداف روزهای ابتدای جنگ دست کشیده است**

در روزهای هشتم و نهم اکتبر شاهد نوعی هدف‌گذاری برای اتمام جنگ از جانب اسرائیل و آمریکا بودیم، اما با گذر زمان و کنشگری بیشتر محور مقاومت حالا اخبار مثبتی بر نوعی تقلیل چشم‌اندازی است که ترسیم کرده بودند. خسروشاهین این عقب‌گرد را این‌طور تحلیل می‌کند: «اولین هدف‌گذاری‌ای که اسرائیلی‌ها و بعد آمریکا‌یی‌ها در روزهای ابتدای این جنگ اعلام کردند، نابودی حماس بود. ذیل نابودی حماس آنها مفهوم دیگری تحت عنوان یک جنگ تمام‌عیار زمینی، کلاسیک و هوایی را علیه غزه برای تصرف و اشغال آن مطرح کردند. اهدافی مدنظرشان بود که پس از اشغال تمام غزه، جمعیت غزه هم به کشورهای اطراف یا کشورهای منطقه برونند یعنی حدودا دو میلیون نفر به کشورهای اطراف غزه و سایر کشورهای منطقه منتقل شوند. در صورتی که در واقع و در صحنه عملی ما شاهد عدول از این هدف‌گذاری‌ها هستیم یعنی هدف جنگ تمام عیار زمانی به یک عملیات ویژه یا عملیات ویژه زمینی تبدیل شد. طی این عملیات اسرائیلی‌ها از استقرار کامل و با تجهیزات و نیروی زمینی بالا در صحنه غزه پرهیز کردند، به جای آن تلاش کردند که از استراتژی جابه‌جایی مداوم نیروها، نیروهایی که برای شناسایی به جلو می‌روند و بعد از شناسایی دوباره به منطقه و پایگاه اصلی خودشان برمی‌گردند و در نمانزه شهری باقی نمی‌مانند، عدول پیدا کرد. الان حتی سی‌ان‌ان امروز خبری را منتشر کرد که ایالات متحده آمریکا از هدف‌گذاری اولیه‌ای که توسط اسرائیل مطرح شد و خودش هم حمایت کرد یعنی نابودی حماس، گذر کرده است. وضعیت به مرحله‌ای رسیده که مقام آمریکایی اعلام می‌کند آتش بس تا زمانی که اسرائیل اطمینان پیدا کند که حماس مجدد توانایی عملیات ۷ اکتبر را ندارد، برقرار نمی‌شود. این یعنی استراتژی از نابودی حماس به کاهش ظرفیت نظامی آن تقلیل پیدا کرده است. این حاصل موازنه تهدید یا بازدارندگی بر پایه تهدید میان محور مقاومت و البته با محوریت حزب‌الله با ایالات متحده آمریکا و تجهیزات است که به منطقه آورد. به‌نظر می‌رسد موازنه بین این دو نیرو به‌وجود آمده و همین موازنه یکی از دلایل ممانعت از تصاعد بحران تا مقطع فعلی شده است و همچنین عدول هدف‌گذاری‌های آمریکا و اسرائیل را در نواز غزه شاهد هستیم.»



یکشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۲



شماره ۳۹۹۹



WWW.FDN.IR



FARHIKHTEGANDAILY

## سید حسن نصرالله نقشه رسانه‌های غربی را خنثی کرد

که همه مردم در این خصوص مسئولیت دارند اما باید با اقدامات رسانه‌ای، نوشتن و گفتن از این مساله نقش خود را ایفا کنند. پرداختن به این نکته که مردم در تمام نقاط دنیا چه مسئولیت انسانی‌ای در این خصوص دارند، بسیار مهم است.»

■ **تلاش برای تحریم رژیم صهیونیستی**

او می‌گوید که بسیاری بر این عقیده بودند که سیدحسن نصرالله در این سخنرانی، ورود حزب‌الله به جنگ با اسرائیل را به صورت رسمی اعلام خواهد کرد. اکوان توضیح می‌دهد: «دبیرکل حزب‌الله لبنان با این حال اعلام کرد که ما از همان روز اول عملیات یعنی روز ۷ اکتبر، وارد میدان عملیات نظامی علیه صهیونیست‌ها شده بودیم و عملیات‌ها همچنان ادامه خواهد داشت. ضرورت توجه به این مساله از این بابت است که بسیاری توقع داشتند، حزب‌الله ورود عجولانه‌ای به جنگ داشته یا تلاش کند که جنگ را به سایر جبهه‌های منطقه گسترش دهد اما سیدحسن نصرالله نشان داد جبهه مقاومت با درایت بیشتری شرایط را سنجیده و به صورت عجولانه و بدون برنامه‌ریزی وارد جنگ تمام‌عیار در منطقه نخواهد شد اما تهدید می‌کند که در صورت اتفاق نرفتادن آتش بس و نرسیدن کمک‌های بشردوستانه به غزه یا تلاش دشمن صهیونیستی برای بیرون راندن مردم از غزه، راهی غیر از حمله تمام‌عیار به صهیونیست‌ها باقی نمی‌ماند و مردم در سراسر کشورهای منطقه علیه این رژیم هم پا خواهند خاست.»

اکوان در پایان تصریح می‌کند: «به نظر می‌رسد با توجه به صحبت‌ها و مواضع اخیر رهبران گروه‌های مقاومت و همچنین رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین وظیفه کشورهای منطقه هم اینک، تلاش برای بالا بردن میزان تهدیدات علیه رژیم صهیونیستی و تلاش برای تحریم این رژیم است. همچنین دیپلماسی در اولویت اول قرار دارد، بنابراین تلاش دیپلماتیک برای مسئول دانستن صهیونیست‌ها در مساله جنایت علیه بشریت و انجام دیپلماسی برای برقراری آتش بس را در شرایط فعلی مهم‌ترین وظیفه کشورهای مسلمان دانست.»



زینب مرزوقی خبرنگار گروه نقد روز

روز جمعه، برای امت اسلامی و هواداران محور مقاومت، روز موعود بود. بالاخره روز سخنرانی سید مقاومت لبنان فرارسیده بود. پیش از سخنرانی بسیاری معتقد بودند که این سخنرانی یک اعلام جنگ علنی با رژیم صهیونیستی است و برخی دیگر هم معتقد بودند که سخنرانی دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان، غیرقابل پیش‌بینی است. پس از سخنرانی سید حسن نصرالله اما تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها خوانندنی‌تر بودند؛ چراکه برخلاف میل آمریکا و البته رژیم صهیونیستی، سید مقاومت نشان داد این گروه پیش از آنکه تمایل به ادامه تنش در منطقه داشته باشند، به دنبال آرامش در منطقه است. از این‌رو پیش‌بینی‌ها و فضاسازی برخی تحلیل‌گران که هم‌گام با رسانه‌های غربی پیش رفته بودند، نادرست از آب درآمد. از طرف دیگر سیدحسن نصرالله با سخنرانی روز جمعه خود نشان داد تمام تحرکات مقاومت غیرقابل پیش‌بینی است و هرچند از مواضع حماس دروقابل رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند اما آنچه که حاکم است عقل و منطق است و نه احساسات.

نمانه اکوان در رابطه با سخنرانی دو روز گذشته دبیرکل حزب‌الله لبنان معتقد است در بررسی صحبت‌های سیدحسن نصرالله نباید به منطقی بودن یا آگاهی بخش بودن سخنان ایشان پیردازیم بلکه مساله این است، شرایط به‌وجود آمده و توقعی که رسانه‌های غربی به وجود آورده بودند این بود که نشان دهند گروه مقاومت یک گروه سرکش، غیرقابل اطمینان و درعین حال غیرمنطقی است و بسیار احساساتی با مسائل برخورد می‌کند. به عقیده اکوان رسانه‌های غربی سعی داشتند نشان دهند پس از این سخنرانی، احتمال حمله به مواضع رژیم صهیونیستی بالا می‌رود. همچنین ایران و حزب‌الله به دنبال تشدید تنش در منطقه هستند. او می‌گوید: «این تحلیل و پیش‌بینی، پس از سخنرانی سیدحسن نصرالله، خدا را شکر از بین رفت. ایشان نشان داد که هم به‌عنوان رهبر یکی از مهم‌ترین گروه‌های مقاومت و هم به‌عنوان فرد فعال در امور سیاسی